بحثی درباره‌ی بدعت نیمه شعبان

مؤلف: شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز (رحمه الله تعالی)

مترجم: عبدالرئوف

حكم الاحتفال بليلة النصف من شعبان

باللغة الفارسية

عبدالعزيز بن باز رحمه الله

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي أكمل لنا الدين و أتم علينا النعمة، و الصلاة و السلام علي نبيه و رسوله محمد نبي التوبة و الرحمة. اما بعد:

خداوند متعال مي فرمايد:*الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا*[1]«امروز دينتان را برايتان كامل و نعمتم را بر شما تمام كردم و راضي شدم كه اسلام دينتان باشد.» و مي فرمايد:*أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ*[2]«آيا آنها شركائي دارند تا ديني را كه خداوند به آن راضي نيست برايشان تشريع نمايد.» و رسول الله- صلي الله عليه و سلم- مي فرمايد:**مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ**[3] (هركس در دين ما چيزي را كه در آن نيست به وجود آورد مردود است.) و در صحيح مسلم از جابر - رضي الله عنه- روايت است كه رسول الله- صلي الله عليه و سلم- در خطبه جمعه مي گفت:**أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ خَيْرَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللَّهِ وَخَيْرُ الْهُدَى هُدَى مُحَمَّدٍ وَشَرُّ الْأُمُورِ مُحْدَثَاتُهَا وَكُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ** (اما بعد به درستي كه بهترين سخن، كتاب خدا و بهترين هدايت، هدايت محمد است و بدترين كارها چيزهاي تازه ايجاد شده در دين مي باشد و هر بدعتي گمراهي است.)آيات و احاديث در اين زمينه بسيارند و آن دلالت مي كند بر اينكه پروردگار سبحان دين اين امت را كامل نموده و نعمتش را بر آنها تمام كرده است و رسولش از حركت باز نايستاد تا اينكه به صورت واضح و آشكار آن را بيان نمود و تمام چيزهايي را كه خداوند بر اين امت تشريع كرده است اعم از قول و عمل براي آنها بيان كرده و توضيح داده است كه تمام چيزهايي را كه مردم بعد از او در دين به وجود مي آورند و آن را به دين اسلام نسبت مي دهند، اعم از چيزهاي گفتاري و كرداري همگي بدعت و به صاحبش برگردانده مي شود هرچند قصدش هم نيكو باشد مردود است اصحاب رسول الله- صلي الله عليه و سلم- و همچنين بعد از آنها عالمان اسلام آن را دانسته و به همين خاطر بدعت را انكار و مردم را از آن برحذر داشته اند؛ چنانكه تمام كساني كه در تعظيم سنت و انكار بدعت تأليف داشته اند مانند ابن وضاح و طرطوشي و ابن شامه و ديگران آن را بيان كرده اند.

از جمله بدعتهاي بوجود آمده توسط بعضي از مردم بدعت برگزاري عيد شب نيمه شعبان و روزه گرفتن روز آن است بر اين كار دليلي كه بشود بر آن اعتماد كرد وجود ندارد در فضيلت آن احاديث ضعيفي وارد شده است چنانچه بسياري از اهل علم در موردش خبر داده اند كه بعضي از سخنان آنها را ان شاء الله در اينجا بيان مي داريم، و همچنين آثاري از تعدادي از علماي سلف از اهل شام و كساني ديگر نيز در اين زمينه وارد شده است. ولي آنچه كه جمهور علما بر آن هستند اين است كه تبديل كردن شب نيمه شعبان به عنوان عيد، بدعت است و احاديث وارده در فضيلت آن همگي ضعيف و بعضي هم موضوعند. از جمله كساني كه در اين زمينه هشدار داده اند حافظ بن رجب مي باشد كه در كتاب لطائف المعارف مي گويد:" احاديث ضعيف تنها هنگامي كه اصل آن به وسيله دلايل صحيح ثابت شده باشد در عبادات به آن عمل مي شود در حاليكه تبديل كردن شب نيمه شعبان به عيد هيچ اصل صحيحي ندارد تا براي انجام آن به احاديث ضعيف عمل نمود." اين قاعده مهم را ابوالعباس شيخ الاسلام ابن تيميه بيان كرده است. خواننده گرامي آنچه را اهل علم در اين زمينه بيان داشته اند را من برايت نقل مي كنم تا در اين مورد شناخت و معرفت لازم را بيابيد. علماء رحمهم الله در اين مسئله اجماع كرده اند كه واجب است آنچه را مردم در آن دچار نزاع و اختلاف مي شوند به كتاب خدا و سنت رسولش - صلي الله عليه

و سلم- برگرداند و آنچه هر دو(كتاب و سنت)يا يكي از آنها به آن حكم كند همان شرع است و واجب است از آن تبعيت شود و چيزي كه با آن مخالفت مي كند، واجب است دور انداخته شود.
هر چه در كتاب و سنت به عنوان عبادت بيان نشده، بدعت است و نبايد به آن دعوت كرد و به انجام دادنش اقدام نمود همانگونه كه خداوند سبحان در سوره نساء مي فرمايد:*يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ*«اي كساني كه ايمان آورده ايد خدا و رسول و صاحبان امر را اطاعت كنيد.» و در سوره شوري مي فرمايد:*وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ*«و اگر در چيزي دچار اختلاف شديد حكمش را به خداوند برگردانيد.» و در سوره آل عمران مي فرمايد:*قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ*«بگو اگر شما خدا را دوست داريد از من پيروي كنيد تا خداوند شما را دوست بدارد و از گناهانتان درگذرد.» و باز مي فرمايد:*فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا*«قسم به پروردگارت ايمان ندارند تا تو را در مشاجرات بين خود حاكم قرار ندهند آنگاه در دل خويش نسبت به قضاوت تو دلتنگي ننمايند و به آن تسليم باشند.»
آيات در اين معني بسيار زيادند و نص صراحتاً به برگشت دادن مسائل اختلافي به كتاب و سنت و واجب بودن رضايت به حكم آن دو اشاره مي نمايد و اين كار مقتضاي ايمان است و در دنيا و آخرت براي بندگان موجب خير و سرانجام نيكو است. حافظ بن رجب در كتابش موسوم به لطائف المعارف در اين مورد بعد از كلامي كه قبلاً از او نقل كرديم مي گويد:" شب نيمه شعبان را جمعي از تابعان اهل شام چون خالد بن معدان و مكحول و لقمان بن عامر و ديگران، بزرگ داشته اند و در آن مشغول عبادت مي شدند؛ فضيلت و بزرگداشت آن شب را مردم از آنها آموختند و گفته شده كه بعضي از اسرائيليات در آثار، آنها را به آن كار واداشته است. هنگامي كه اين كار توسط آنها در شهرها منتشر گشت مردم در آن دچار اختلاف شدند بعضي آن را قبول كردند و در تعظيم و بزرگداشت آن با آنها موافقت نمودند كه از آن جمله گروهي از زاهدان اهل بصره و ديگراني غير از آنها مي باشند ولي بيشتر عالمان حجاز چون عطاء و ابن ابي مليكه و عبدالرحمان بن زيد بن اسلم از فقهاي مدينه آن را انكار نمودند و اين انكار قول اصحاب مالك و ديگران نيز مي باشد و گفته اند همة اين كارها بدعت است. اما علماي شام در چگونگي بزرگداشت آن شب بر دو رأي اختلاف كردند. اولي بر آن بود كه به صورت جماعت در مسجد مستحب است آن را احيا نمود چنانكه خالد بن معدان و لقمان بن عامر و ديگران در آن شب زيباترين لباسها را مي پوشيدند؛ سرمه به چشم مي زدند و با شادي و سرور در مسجد حضور مي يافتند و آن شب را در مسجد به عبادت مي پرداختند كه اسحاق بن راهويه در اين كار با آنها موفق است و در مورد قيام كردن به صورت جماعت در آن شب مي گويد: بدعت نيست كه اين را حرب كرماني در مسائلش از او نقل كرده است.
دومي اجتماع نمودن در مسجد را براي انجام نماز، قصه و دعا كردن مكروه مي دانست ولي نماز خواندن فردي را كه شخص براي خود انجام دهد را مكروه نمي دانستند و اين نظر قول اوزاعي امام اهل شام و فقيه و عالمشان مي باشد و اين يكي ان شاء الله همان مورد نزديك به حق است. از امام احمد در مورد شب نيمه شعبان كلامي در دست نيست. در مورد مستحب بودن قيام جماعتي در آن شب دو روايت از او نقل شده است در يكي از آن دو قيام جماعتي را مستحب و در ديگري به خاطر عدم نقل از رسول الله- صلي الله عليه و سلم- و اصحابش آن را مستحب نمي داند. عبدالرحمن بن زيد بن اسود كه از تابعين بود آن را انجام مي داد. بنابراين در مورد قيام شب نيمه شعبان چيزي از طريق رسول الله- صلي الله عليه و سلم- و اصحابش نقل

نشده است ولي از جمعي از تابعين كه از جمله بزرگان اهل شام بوده اند روايت گرديده است هدف و مقصود از كلام حافظ بن رجب در اينجا به اتمام رسيد".
در سخنان حافظ بن رجب تصريح شده است به اينكه از رسول الله- صلي الله عليه و سلم- و اصحابش - رضي الله عنهم- در مورد شب نيمه شعبان هيچ چيزي ثابت نشده است و آنچه را اوزاعي در مورد مستحب بودن قيام در آن شب براي فردي و جمعي و آنچه را كه حافظ بن رجب در اين مورد اختيار كرده چيزي غريب و ضعيف است چون هر چيزي مشروع بودنش به وسيله دلايل شرعي ثابت نشده باشد براي هيچ مسلماني جايز نيست كه آن را به عنوان دين و جزء آن به صورت جماعت يا فرادا، پنهاني باشد يا آشكار ايجاد نمايد چون فرموده رسول الله- صلي الله عليه و سلم- در اين زمينه عام است:**مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ** (هر عملي كه امر ما بر آن نباشد آن كار مردود است.) و دلايل ديگر همگي دلالت بر انكار بدعت و تحذير از آن را مي نمايند. امام ابوبكر طرطوشي در كتابش موسوم به الحوادث و البدع مي گويد: ابن وضاح از زيد بن اسلم روايت مي كند كه گفته است:**ما أدركنا أحدا من مشيختنا و لا فقهائنا يلتفتون إلي النصف من شعبان، و لا يلتفتون إلي حديث مكحول، و لا يرون لها فضلا علي ما سواها**[از اساتيد و فقهاي خودمان كسي را نيافتيم كه به نصف شعبان و حديث مكحول التفات و توجهي بنمايد و فضيلتي براي آن به نسبت شبهاي ديگر قائل نبودند.] به ابن مليكه گفته شده: زياد نميري مي گويد:**إن أجر ليلة النصف من شعبان كأجر ليلة القدر**[پاداش شب نيمه شعبان چون پاداش شب ليلة القدر است.] در جواب گفت:**لو سمعته و بيدي عصا لضربته** [اگر اين سخن را از او بشنوم و در دست من عصايي باشد با آن او را مي زنم.] زياد قياس كرده است.
علامه شوكاني در الفوائد المجموعة مي گويد:**حديث:(يا علي من صلي مائة ركعة ليلة النصف من شعبان يقرأ في كل ركعة بفاتحة الكتاب وقل هو الله أحد عشر مرات قضي الله له كل حاجة)إلخ و هو موضوع**[اي علي هركس يكصد ركعت نماز در شب نيمه شعبان بخواند و در هر ركعتش سوره حمد و احد را ده بار تكرار نمايد هر حاجتي داشته باشد خداوند برايش مقدر مي گرداند. اين حديث موضوع و ساختگي است.] و بعد مي فرمايد: در الفاظ اين حديث كه تصريح به پاداش و ثواب مي كند كه انسان به آن مي رسد؛ براي انساني كه قدرت تشخيص داشته باشد شكي در ساختگي آن باقي نمي ماند. رجال آن مجهولند و اين حديث از طريق دوم و سوم نقل شده و همگي موضوع و ساختگي مي باشند و راويانش مجهول و گمنامند. و در المختصر مي گويد: حديث نماز نيمه شعبان باطل است و حديثي را هم كه ابن حبان از علي روايت مي كند كه:**إذا كان ليلة النصف من شعبان فقوموا ليلها، و صوموا نهارها** (هرگاه شب نيمه شعبان فرا رسيد شب آن را با قيام و روزش را با روزه بگذرانيد.)ضعيف مي باشد و مي گويد: آنچه هم در اللآلئ آمده:**(مائة ركعة في نصف شعبان بالإخلاص عشر مرات) مع طول فضله، للديلمي و غيره موضوع** [يكصد ركعت در نيمه شعبان همراه با سوره اخلاص ده بار در هر ركعت همراه با فضيلت طولاني كه برايش نقل مي كند. ديلمي و ديگران آن را آورده اند و موضوع مي باشد.] و اكثريت قريب به اتفاق طريقه سوم روايت حديث، مجهول و گمنام و جزء ضعفاء در حديث مي باشند. بعد مي گويد: دوازده ركعت نماز همراه با سوره اخلاص كه سي بار تكرار شود موضوع و ساختگي است و چهارده ركعت در آن نيز موضوع و ساختگي مي باشد. جماعتي از فقهاء چون صاحب احياء علوم الدين و ديگران و همچنين بعضي از مفسران فريب اين احاديث ساختگي را خورده اند. نماز در شب نيمه شعبان به روايتهاي مختلف و متعددي بيان شده است كه همگي آن باطل و موضوع مي باشند و اين موضوع با روايت ترمذي از عائشه كه رفتن پيامبر- صلي الله عليه و سلم- به بقيع و نازل شدن پروردگار در شب نيمه شعبان به آسمان دنيا را بيان مي نمايد

که خداوند در آن بيشتر از تعداد موهاي گله بني كلب را مي بخشد منافاتي ندارد چون بحث در مورد نماز ساختگي در آن شب مي باشد و از آن گذشته حديث عائشه حديث عائشه نيز داراي ضعف و انقطاع مي باشد همانگونه که حديث علي که قبلاً در مورد قيام شب برگرديد چنان بود و به هر حال منافاتي با ساختگي بودن نماز در آن شب ندارد گرچه همانگونه که بيان کرديم داراي ضعف است.

حافظ عراقي مي گويد: حديث نماز شب نيمه شعبان ساختگي و دروغ است که به رسول الله- صلي الله عليه و سلم- نسبت داده اند و امام نووي در کتاب المجموع مي گويد: نماز معروف به صلاة الرغائب که دوازده رکعت است که بايد در بين نماز مغرب و عشاء در اولين جمعه ماه رجب خوانده شود و نماز شب نيمه شعبان که يکصد رکعت است، هر دو بدعت و منکرند و نبايد فريب آن را خورد که در کتابهاي قوت القلوب و احياء علوم الدين و يا احاديثي که در آنها در اين زمينه آورده شده اند به درستي که همه آنها باطل مي باشند و همچنين نبايد فريب اين را خورد که بعضي از امامان در مورد آن دو نماز دچار اشتباه شده و چند ورقي را در مورد مستحب بودنش نگاشته اند. آنها در اين زمينه دچار خطا گشته اند.

شيخ امام ابو محمد عبدالرحمن بن اسماعيل مقدسي کتاب گرانمايه اي را در رد آن دو نماز نگاشته و در آن حق مطلب را ادا کرده است. و کلام اهل علم در اين زمينه به حقيقت بسيار زياد است و اگر بخواهيم همه مطالبي را که بر آن آگاهي يافته در اين زمينه بيان داريم سخن به درازا مي کشد و شايد همين اندازه که بيان کرديم براي کسي که خواهان حقيقت است باعث قناعت باشد.

از آنچه که گذشت از مجموع آيات و احاديث و سخنان اهل علم براي کسي که طالب حق باشد روشن گرديد که برگزار کردن شب نيمه شعبان به صورت جشن در قالب نماز خواندن و يا مسائل ديگر و اختصاص دادن روزش به روزه گرفتن بدعت و منکر است و فاقد هر گونه اصلي در شرع مطهر است و از جمله چيزهاي ايجاد شده در دين بعد از عصر اصحاب مي باشد فرموده خداوند متعال که مي فرمايد:*الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي*[4]«امروز دينتان را برايتان کامل و نعمتم را بر شما تمام کردم.» و آياتي که در اين زمينه وارد است و همچنين فرموده رسول الله- صلي الله عليه و سلم- که مي فرمايد:**مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ**[5] (هرکس در دين ما چيزي را که در آن نيست به وجود آورد مردود است.) احاديثي که در اين معني وارد شده اند براي کسي که خواهان حق باشد کفايت مي کند چنانکه در صحيح مسلم از ابوهريره روايت است که رسول الله- صلي الله عليه و سلم- فرمود: **لَا تَخْتَصُّوا لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ بِقِيَامٍ مِنْ بَيْنِ اللَّيَالِي وَلَا تَخُصُّوا يَوْمَ الْجُمُعَةِ بِصِيَامٍ مِنْ بَيْنِ الْأَيَّامِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ فِي صَوْمٍ يَصُومُهُ أَحَدُكُمْ** (شب جمعه را در بين شبها به قيام براي نماز خواندن اختصاص ندهيد و روز جمعه را در بين روزها به روزه گرفتن مختص مگردانيد مگر اينکه داخل روزه اي قرار گيرد که يکي از شما در صدد انجامش برمي آيد.)[6]

اگر جايز بود در بين شبها شبي را به عبادت اختصاص بدهند شب جمعه شايسته تر به آن بود چون به نص فرموده رسول الله- صلي الله عليه و سلم- روز جمعه بهترين روزي است که خورشيد در آن طلوع نموده است و حال که رسول الله- صلي الله عليه و سلم- از اختصاص دادن شب جمعه به قيام کردن نهي مي کند، مي رساند که مختص کردن شبهاي ايام ديگر به طريق اولي جايز نمي باشد مگر اينکه دليل صحيحي مبني بر تخصيص آن وجود داشته باشد. آن هنگام که قيام کردن و عبادت در شب قدر و باقي شبهاي رمضان تشريع گرديد رسول الله- صلي الله عليه و سلم- آن را ابلاغ و امت را بر آن تشويق و شخصاً به انجام آن مبادرت فرمود. چنانکه در صحيحين

از رسول الله- صلي الله عليه و سلم- روايت است كه فرمود:**مَنْ قَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَنْ قَامَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ**(هركس شبهاي رمضان را با عبادت و شب ليلة القدر را با قيام سپري نمايد در حاليكه مؤمن است و قصدش پاداش پروردگار باشد گناهان قبلي وي بخشيده مي شود.) و اگر شب نصف شعبان يا اولين جمعه از رجب يا شب معراج به عيد و برگزاري مراسم خاصي اختصاص مي يافت رسول الله- صلي الله عليه و سلم- امت را به آن راهنمايي مي كرد يا اينكه خود به آن اقدام مي نمود و در صورتي كه چيزي از آن موارد روي مي داد اصحاب آن را به امت مي رساندند و آن را از آنها پنهان نمي داشتند چون آنها بهترين مردم و خيرخواه ترين آنها بعد از پيامبران عليهم الصلاة و السلام و رضي الله عن اصحاب رسول الله و ارضاهم بودند و در طول اين بحث از طريق سخنان علماء برايمان روشن گرديد كه در اين مورد چيزي از رسول الله- صلي الله عليه و سلم- و از اصحابش - رضي الله عنهم- در فضيلت شب اولين جمعه ماه رجب و شب نيمه شعبان وارد نشده است و دانسته شد كه برپايي هرگونه مراسمي بدين مناسبت بدعت و جزء امورات ايجاد شده در اسلام است بنابراين نبايد آن شبها را به انجام عباداتي اختصاص داد و همچنين شب بيست و هفتم رجب كه در مورد آن بعضي معتقدند شب اسراء و معراج مي باشد نبايد آن را تبديل به عيد و يا به چيزي از عبادات اختصاص داد و دليل آن همان توضيحاتي است كه بيان شدند و اين در صورتي است كه بنا را بر صحت آن بگيريم در حاليكه صحيح از قول علما اين است كه زمان آن معلوم نيست و سخن كساني كه آن را به بيست و هفتم رجب اختصاص مي دهند باطل و فاقد هرگونه اصلي در احاديث صحيح مي باشد چه بسيار زيبا گفته شده:

خير الأمور السالفات علي الهدي................ و شر الأمور المحدثات البدائع

بهترين كارها اموراتي است كه از اول بوده و باعث هدايت مي باشند و بدترين كارها چيزهاي تازه ايجاد شده و بدعتي هستند.

از پروردگار متعال خواهانم كه ما و ساير مسلمان را براي تمسك جستن به سنت و پايداري بر آن و پرهيز از هر آنچه مخالف آن است موفق بدارد كه او بخشنده و بزرگوار است.

و صلي الله و سلم علي عبده و رسوله نبينا محمد و علي آله و صحبه أجمعين